

سیر تاریخی مفهوم قوامیت مرد در تفاسیر

محسن برقی کار^۱

فاطمه السادات مؤمنی^۲

چکیده

قوامیت مردان بر زنان، از جمله موضوعات قرآنی است که در طول تاریخ، تفاسیر گوناگونی از آن ارائه شده است. بر اساس دیدگاه مفسرین سلف اهل سنت و برخی از شیعه، مردان در ردیف امرا و حاکمان قرار گرفته و مراد از قوامیت، نوعی سلطه و حکومت است که با عناوینی چون سیطره، حاکم و تأدیب بیان شده است. عده‌ی نیز قوامیت مرد را به عنوان وظیفه و مسئولیتی در قبال زن می‌دانند؛ زیرا تدبیر و تنظیم امور خانواده که به مرد سپرده شده؛ مسئولیتی است که هیچگونه دلالتی بر برتری مردان نسبت به زنان ندارد. علامه (ره) با استناد به عمومیت تعلیل ذکر شده در آیه، قوامیت مرد را منحصر در امور خانواده ندانسته و آن را به امور اجتماعی که ارتباط به زندگی هر دو طائفه دارد نیز جاری دانسته و معتقد به قوامیت صنف مردان بر صنف زنان است. ایشان، قیومیت مرد بر همسرش را به شئون زوجیت اختصاص می‌دهد و از آن فراتر نمی‌رود، چراکه قوامیت مرد ثمره ایجاد علقه زوجیت و نتیجه تشکیل خانواده و در راستای حفظ مصالح آن است. ایشان با توسعه‌ای که در مفهوم قوامیت قایل شده‌اند، علت قوامیت مردان را فزونی قدرت جسمی، تعقل در مردان و پرداخت مهریه می‌دانند.

کلیدواژه‌ها: قوامیت، مدیریت خانواده، مدیریت اجتماعی

^۱ عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه، استاد مؤسسه آموزش عالی فاطمه الزهرا (سلام الله علیها)

^۲ طلبه سطح ۴ مؤسسه آموزش عالی فاطمه الزهرا (سلام الله علیها)

مقدمه:

تعبیر قوامیت مرد بر زن برگرفته از این آیه شریفه است که خداوند می‌فرماید: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»¹ بر این اساس برای روشن شدن سیر تاریخی مفهومی قوامیت، می‌طلبید اراء مفسران را در رابطه به معنا و مفهوم قوامیت بررسی نمود که آیا میان برداشت مفسران سابق و فهم مفسران معاصر مغایرت وجود دارد؟ و یا معتقد به مفهوم واحد هستند. بنابراین مهم‌ترین پرسش‌های این تحقیق سئوالات ذیل است: 1. مقصود از قوامیت مردان بر زنان چیست؟ 2. آیا مطلق مردان بر زنان قوامیت دارد یا محدود در امور زناشویی است؟

مفهوم شناسی

1. قوامیت در لغت

خلیل ابن احمد فراهیدی در العین می‌گوید: «قیم القوم: کسی است که امر آنها را تدبیر می‌کند و به آنها استقامت می‌بخشد، او در مورد قوام به کسر می‌گوید: قوام در مورد زندگی عبارت است از به پا داشتن زندگی و برطرف سازی نیازها»². جوهری در صحاح اللغه می‌گوید: «قوام الامر بکسره، نظام و استقامت شیء را گویند، مثلاً می‌گویند: فلان کس قوام اهل بیت خود است، قیام اهل بیت؛ یعنی او کسی است که امور شئون اهل بیت خود را برقرار می‌کند و مرکز و محور کارهای آنها قرار می‌گیرد»³. ابن منظور در لسان العرب معتقد است «براین‌که قوام صیغه مبالغه است و ریشه آن «قیام» است. و آن دارای معانی مختلف است گاهی به معنای توقف و ثبات است و گاهی به معنای محافظت و اصلاح می‌باشد در آیه: الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»⁴. این واژه به معنای اصلاح و محافظت است»⁵. ابن اثیر در کتاب النهایه فی غریب الحدیث و الاثر می‌گوید:

¹. سوره نساء آیه 34.

². خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، قم، انتشارات باقری، چاپ اول، 1414. ق ج، 3 ص، 1543.

³. اسماعیل ابن حماد جوهری، معجم الصحاح، بیروت - لبنان، دارالمعرفه، چاپ دوم، 1428 ق. ص 894.

⁴. سوره نساء آیه 34.

⁵. ابن منظور ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم لسان العرب بیروت - لبنان ناشر: دار الفكر للطباعة و النشر چاپ: سوم: 1414 هـ ق

«قوم مصدر قام است و به مردان اطلاق می‌شود. و قوامیت مرد بر زنان بخاطر انجام اموری است که زنان نمی‌توانند آن را انجام دهند.»^۱

مصطفوی در التحقیق می‌گوید: «قوام صیغه مبالغه است یعنی کسی که بسیار به خوشن متکی است و در این آیه، قوام کسی است که بر زن در تدبیر امور و برطرف ساختن نیازمندیهایش اشراف دارد.»^۲ حسن عمید: قوام به فتح؛ کسی که متکفل امری باشد و آنکه از انجام دادن امری برآید.^۳

به طور کلی، از مجموع آرای اهل لغت استفاده می‌گردد قوام به کسی گفته می‌شود که به خویشن متکی است و امور و شئون دیگران را تدبیر نموده و به سرپرستی و محافظت از آنها می‌پردازد.

2. قوامیت در اصطلاح

در اصطلاح برخی از مفسرین قوامیت را به معنای سلطنت و حکومت دانسته است و قومیت مردان را در ردیف امرا و حکمان قرار داده اند و برخی دیگر آن را به معنای مدیریت و سرپرستی خانواده دانسته است. و این دوبرداشت به صورت تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دیدگاه مفسران در قوامیت مرد بر زن

باتوجه به موضوع تحقیق، به آراء مفسران در این رابطه پرداخته میشود تا روشن شود در برداشت علماء سلف و معاصر در معنای قوام تحول رخ داده است؟ یا این که مفسران قوام را در یک معنای واحد به کار برده و دارای معنای ثابت است.

1. دیدگاه مفسران سلف

1-1. مفسران اهل سنت

در ابتدا به برخی دیدگاههای از مفسران اهل سنت مطرح و پس از آن به نظرات مفسران شیعه اشاره می‌گردد.

^۱. ابن اثیر جزری، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول، ج 4، ص: 124.

^۲. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، و النشر، تهران، مرکز الکتاب للترجمة، چاپ اول، 1402 هـ ق ج 9، ص 344.

^۳. حسن عمید فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و هفتم، 1384، ص 1592.

از مفسران سلف، محمد بن جریر طبری از قدیمی ترین مفسران اهل سنت (متوفای 310 ق.) در بیان مراد از آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»^۱ می‌گوید: «مردان اهل قیام بر زنان شان در تأدیب و نظارت بر انجام واجبات و تکلیف آنان در برابر خداوند و شوهران می‌باشند.» او از ابن عباس نقل می‌کند که مراد از «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» «امرا است و بر زنان لازم است که طبق دستور خداوند از شوهر خود اطاعت کند.»^۲

جارالله زمخشری (متوفای 528 ق.) نیز در مورد این آیه، گفته است «مردان با امر و نهی بر زنان اشراف و سیطره دارند همانطور که والیان و حاکمان بر رعیت ها حکومت دارند.»^۳

قرطبی (متوفای 671 ق.) معتقد است براین که قوام از قیام اخذ شده و قیام مردان بر زنان به این است که مرد عهده دار تدبیر امور زن و تأدیب او و نگهداری او در خانه و منع خروج او از منزل شود و بر زن است که او را اطاعت نماید امر او را تازمانی که منجر به معصیت نگردد قبول نماید.^۴ فخر رازی در تفسیر کبیر معتقد است براین که این آیه بیانگر تسلط مردان و برتری دادن مردان بر زنان در راستای تأدیب زنان است و گویا مردان امیر و حاکم زنان هستند.^۵

ابن کنیر دمشقی (متوفای 774 ق.) در تفسیر خود در مورد قوام بودن مرد می‌گوید: «مرد قیم بر زن، رئیس و بزرگ او و حاکم براوست و ادب کننده او هنگام کجروی و انحراف است.»^۶

به طور کلی، براساس دیدگاه مفسرین سلف اهل سنت، قوامیت یک نوع سلطه و حکومت است که خداوند برای مردان نسبت به زنان داده است، و مردان را در ردیف امرا و حاکمان قرار داده است.

1-2. دیدگاه مفسران شیعه

برخی از علما شیعه هم، نظریه‌ی ترفع و برتری مردان بر زنان را برگزیده‌اند از جمله مرحوم طبرسی در تفسیر جوامع الجامع می‌گوید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» «يقومون عليهنّ بالأمر و النهي كما تقوم الولاة على

¹. سوره نساء، 34

². محمد بن جریر طبری، تفسیر طبری بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، 1421 هـ، ج 5، ص 70.

³. محمود بن عمر زمخشری، الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التنزیل، بیروت لبنان، دار المعرفه، بی تا ج 1، ص 523.

⁴. محمد بن احمد قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، تصحیح الشیخ هشام سمیر البخاری، بیروت دار احیاء التراث العربی چاپ اول 1422 ق. ج 3، ص 121.

⁵. امام فخر رازی، التفسیر الکبیر، القاهرة، المكتبة التوفيقية، ج 5، ص 80.

⁶. اسماعیل بن کنیر دمشقی، مختصر تفسیر ابن کنیر، بیروت، المكتبة العصرية، 1422 ق. چاپ اول، ج 1، ص 308.

رعایاهم»؛ مردان به امر و نهی برزنان اشراف دارند چنانکه حاکمان بررعیتهای برتری و حکومت دارند؛^۱ او در مجمع البیان نیز برای مردان حق سلطه قائل است، و می‌گوید: مردان سرپرست اند و در تدبیر زندگی و تعلیم و تربیت مسلط بر زنان هستند.^۲ اما شیخ طوسی در التبیان، مایه برتری مردان را عقل و درایت می‌داند ولی او قوامیت را در حد ادره منزل و تربیت خانواده می‌داند.^۳ و او در کتاب المبسوط، هر چند یک کتاب فقهی است، در مسئله‌ی وجوب نفقات بدون این که اشاره به حاکمیت مردان داشته باشد می‌گوید: مراد از قوام در «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»، قوامی است که کسی در امور زندگی؛ از قبیل نفقه، لباس و سایر نیازمندی‌های دیگران را متکفل باشد.^۴

فاضل مقداد از مفسرین قرن نهم، در کنزالعرفان قوامیت را به معنای ولایت و سیاست دانسته و گفته است: «أَيُّ لِهْمَ عَلَيْهِنَّ قِيَامُ الْوَلَايَةِ وَالسِّيَاسَةِ.» مردان برزنان ولایت و سیاست دارد. مرحوم مقدس اردبیلی از مفسرین قرن دهم نیز قوامیت مردان برزنان را سلطنت دانسته و می‌گوید: مردان امور زنان را به پا داشته و سلطه‌شان بر آنان، مانند سلطه ولات بررعیست است. فیض کاشانی نیز همین دیدگاه را در قوامیت مردان برزنان دارد. و گفته است: «يَقُومُونَ عَلَيْهِنَّ قِيَامُ الْوَلَاةِ عَلَى الرَّعِيَةِ.»

عبدالله شبر نیز معتقد است براین که مراد از قوامیت مردان برزنان تسلط مردان برزنان در سیاست و مدیریت است.^۵

آراء این دسته از مفسران شیعه نشان می‌دهد، قوامیت مردان در آیه شریفه حاوی برتری مردان و متضمن سیطره و حکومت آنان برزنان می‌باشد و آنان را در ردیف والیان و فرمانروایان قرار داده و حق فرمانروایی برای آنان قائل هستند. براین اساس دیدگاه این مفسران نیز یک نوع اشعار بر «ترفع» و «حق سلطه» برای مردان نسبت به زنان دارد.

2. دیدگاه برخی از مفسران معاصر در قوامیت مردان برزنان

^۱ . طبرسی فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران، ناشر: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، 1377 ش، ج 1، ص 253.

^۲ طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر، چاپ سوم، 1372، ج 3، ص 69.

^۳ . محمد بن حسن نام طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن ناشر: بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج 3، ص 189.

^۴ . محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیه؛ تهران، ناشر: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه نوبت چاپ: سوم، 1387 ه ق ج 6، ص: 2.

^۵ . سید عبد الله شبر، تفسیر القرآن الکریم، بیروت، ناشر: دار البلاغة للطباعة والنشر، چاپ اول 1412 ق، ج 1، ص 114.

طبق این تحلیل، قوامیت مردان، محدود در امور زنا شویی است نه امور اجتماعی، برای این مدعا می‌توان ادله ذیل را نیز ذکر نمود:

ادله عدم توسعه قوامیت

1. تساوی در خلقت و انسانیت

براساس آیات متعدد قرآن، زن و مرد از یک نفس واحد خلق شده اند در انسانیت و کمالات انسانی برابر هستند و جنسیت را همواره خارج از ذات و ماهیت انسانی می‌داند، زن و مرد را موجب تمایز نوع انسان نمی‌داند و هیچکدام در اصل آفرینش بر دیگری برتری ندارند. و این آیات می‌تواند دلیل بر عدم تفاوت میان زن و مرد باشد. چنانکه خداوند فرموده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا¹ وَنِسَاءً؛ ای مردم، از پروردگارتان که شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید، و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید.

بنابراین مفاد آیه بالا: این است که همه انسانها چه مرد و چه زن از یک گوهر آفریده شده اند و مبدأ خلقت شان یک چیز می‌باشد. و ثانیاً: اولین زن (حضرت حوا) که همسر اولین مرد است، او هم از همان ذات و گوهر عینی آفریده شده است نه فرع بر آن؛ یعنی از مرد آفریده نشده است تا این که مرد فضیلت و شرافت تکوینی داشته باشد و از نظر خلقت فرع بر مرد باشد.

جوادی آملی در مورد خلقت حضرت حضرت آدم و حوا می‌گوید: «روح حضرت حوا هم سنخ جسم و روح حضرت آدم است، زیرا بابخشی از طین خاص، بدن حضرت آدم و با بخش دیگر بدن حضرت حوا آفریده شد و روح آن دو نیز به صورت مستقل به هر کدام دمیده شد.² علامه طباطبایی نیز خلقت حضرت حوا و آدم را از یک حقیقت به صورت مستقل می‌داند و آرای مفسرینی که آفرینش حضرت حوا را از دنده چپ حضرت آدم می‌دانند رد کرده و می‌گوید:

«پس این که در بعضی از تفسیرها آمده که مراد از آیه مورد بحث این است که همسر آدم از بدن خود درست شده صحیح نیست، هر چند که در روایات آمده که از دنده‌ی آدم خلق شده، لیکن از خود آیه استفاده نمی‌شود، و در آیه، چیزی که بر آن دلالت کند وجود ندارد.³»

¹. سوره نسا/ آیه 1.

². عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج 17، ص 89.

³. محمدحسن طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج 4، ص: 216.

از جمله آیاتی که برهمسان بودن زن و مرد در خلقت اشاره می‌کند این آیه است که خداوند فرموده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۱ و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.

قرآن علاوه برهمسان دانستن زن و مرد در خلقت، آنها را دارای یک حقیقت انسانی می‌داند و ملاک برتری را جز تقوا در چیز دیگر جستجو نمی‌کند چنانکه خداوند فرموده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^۲ ای مردمان! ما شما را از نری و ماده‌ای آفریدیم و گروه‌ها و قبیله‌ها کردیم - تا همدیگر را بشناسید - و گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقوادارترین شماست.

2. تساوی در ارزش ها و عتاب‌ها

قرآن کریم همانطور زنان و مردان را به خاطر ارزشهای انسانی از قبیل ایمان، علم و تقوا مورد تقدیر و ستایش یکسان قرار داده آنان را به خاطر رذائل اخلاقی نیز نکوهش همسان نموده است. خداوند در این زمینه در آیات ذیل می‌فرماید:

«يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^۳

آن روز که مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نورشان پیشاپیششان و به جانب راستشان دوان است. [به آنان گویند:] «امروز شما را مژده باد به باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در آنها جاودانید این است همان کامیابی بزرگ.

و در مورد سرزنش زنان و مردان منافق و مشرک می‌فرماید: «وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا»^۴ (6) و [تا] مردان و زنان نفاق‌پیشه و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد برده‌اند، عذاب کند بد زمانه بر

^۱. روم/ 21

^۲. حجرات/ آیه 13.

^۳. حدید/ 12.

^۴. فتح آیه 6/

آنان باد. و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان کرده و جهنم را برای آنان آماده گردانیده و [چه] بد سرانجامی است!

باتوجه به این آیات تفاوت زن و مرد در نگاه قرآنی به اصل خلقت و انسانیت بر نمی‌گردد بلکه مربوط به ارزشهای انسانی و اخلاقی است و در حقوق انسانی هیچگونه تفاوتی ندارند و هرکدام می‌توانند در سرنوشت خویش دخالت داشته باشند.

نتیجه گیری

این پژوهش به دنبال بررسی قوامیت مردان بر زنان است و این مسئله یکی از مسائل مهم قرآنی است در این مقاله دیدگاه‌های مفسرین براساس ادوار زمانی مورد بررسی قرار گرفته است قوامیت از نظر معنا، در نزد مفسران دارای تحول تاریخی می‌باشد و این تحول به چند صورت در ذیل بیان می‌گردد:

1. قوامیت مردان از نظر اکثر مفسران سلف اهل سنت مانند زمخشری، قرطبی و... و مفسران شیعه؛ چون طبرسی در مجمع البیان، فاضل مقداد در کنزالعرفان و شبر به معنای سلطنت و حاکمیت است که آنها مردان را در ردیف امرا و حاکمان به شمار آورده اند.

2. اکثر مفسران معاصر اهل سنت و شیعه، قوامیت را به معنای وظیفه و مسئولیت دانسته اند و برخی از مفسرین، مانند آیت الله جوادی آملی تصریح دارد براین که جایگاه مرد وزن در قوامیت در اثر ناتوان شدن مرد از ایفای نقش مسئولیت و تدبیر امور زندگی، عوض می‌گردد.

3. از میان مفسران، علامه طباطبایی در امور خارج از شئون زوجیت که مشترک میان مردان و زنان، قوامیت را از آن مردان می‌داند او این مطلب را از تعمیم علت، استفاده نموده به زعم او فزونی عقلی و قدرت جسمی مایه قوامیت مردان بر زنان گشته است اما نسبت به همسر قوامیت را فقط در امور زوجیت جاری می‌داند و فراتر از آن بزعم او زنان آزاد هستند و می‌توانند به اختیار خویش تصمیم بگیرند. البته دیدگاه علامه طباطبایی در توسعه قوامیت در خارج امور زناشویی، مورد نقد برخی از مفسران و محققان قرار گرفته است.

منابع

1. قرآن کریم
2. ابراهیم مصطفی و دیگران، المعجم الوسیط، تهران، موسسه امام صادق، چاپ پنجم، 1426 ه. ق.
3. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، مختصر تفسیر ابن کثیر، بیروت، المكتبة العصرية، 1422 ق. چاپ اول، ج 1.

4. ابن منظور ابو الفضل، جمال الدين، محمد بن مكرم لسان العرب بيروت- لبنان ناشر: دار الفكر للطباعة و النشر چاپ: سوم: 1414 هـ ق ج 12.
5. تهرانی، محمد صادقی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، ناشر: انتشارات فرهنگ اسلامی چاپ: دوم 1365 ش ج 7.
6. جزری، ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول، ج 4.
7. جمال الدین، فاضل مقداد، کنزالعرفان فی فقه القرآن، ناشر: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ: اول: (1419 ق، ج 2).
8. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ سوم، 1390، ج 17 و 18.
9. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء چاپ سوم، 1372.
10. جوهری، اسماعیل ابن حماد، معجم الصحاح، بیروت - لبنان، دارالمعرفه، چاپ دوم، 1428 ق.
11. حسینی طهرانی، محمد حسین، رساله البدیعه مشهد، انتشارات علامه طباطبائی، چاپ دوم، 1418 ق.
12. حکیم پور، محمد، حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، تهران، انتشارات نغمه نو اندیش، چاپ دوم، 1384.
13. دهقان، اکبر، تفسیر نسیم رحمت، قم، انتشارات حرم، ج 3.
14. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، 1420، ج 5.
15. رضایی، محمد علی و دیگران، تفسیر قرآن مهر، قم، انتشارات عصر ظهور، چاپ اول، 1389.
16. زمخشری، محمود بن، عمر الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التنزیل، بیروت لبنان، دارالمعرفه، بی تا ج 1.
17. سید قطب، فی ظلال القرآن، ترجمه مصطفی خرم دل، تهران، نشر احسان، چاپ سوم، 1398، ج 2.
18. شبر، سید عبد الله، تفسیر القرآن الکریم، بیروت، ناشر: دار البلاغه للطباعة و النشر، چاپ اول 1412 ق، ج 1.
19. طباطبائی، محمد حسن، ترجمه تفسیر المیزان مترجم موسوی همدانی، قم؛ دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، چاپ: پنجم 1374؛ ش ج 4.
20. طبرسی، فضل بن حسن مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو سال چاپ: 1372 نوبت چاپ: سوم، ج 3.
21. طبری، محمد بن جریری، تفسیر طبری بیروت- لبنان، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، 1421، ق، ج 5.
22. طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن، دارالفکر، بی تا.
23. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن ناشر: بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج 3.
24. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه؛ تهران، ناشر: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه نوبت چاپ: سوم، 1387 هـ ق ج 6.
25. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و هفتم، 1384.
26. فخرازی، التفسیر الکبیر، القاهره، المکتبه التوفیقیه، ج 5.
27. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، انشارات باقری، چاپ اول، 1414، ق ج 3.
28. فضل الله، محمد حسین، تأملات اسلامیة حول المرأة، بی جا ناشر دارالملاک چاپ هشتم 1421 ق.
29. فیاض، محمد صادق، وکالت زن، قم، ناشر مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، 1389.

30. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع الاحکام القرآن، تصحیح الشیخ هشام سمیر البخاری، بیروت دار احیاء التراث العربی چاپ اول 1422ق. ج 3.
31. مدرسی، محمد تقی، تفسیر هدایت، مشهد، ناشر: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ: اول، 1377 ش، ج 2.
32. مصطفوی حسن، تفسیر روشن، تهران، ناشر: مرکز نشر کتاب، چاپ: اول، 1380 ش ج 5.
33. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، ناشر، بنگاه کتاب و نشر کتاب، چاپ اول، 1402 ه ق ج 9.
34. مقدادی، محمد مهدی، ریاست خانواده، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان چاپ اول، 1385.
35. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه تهران، دارالکتب الاسلامیه چاپ اول، 1374، ج 3.
36. منتظری، حسین علی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه و تقریر محمود صلواتی و...، تهران، نشر سربابی، ج 2.
37. میرزاخسروانی، علی رضا، تفسیر خسروی، تهران، ناشر: انتشارات اسلامیه، چاپ: اول، 1390 ق، ج 2.
38. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت - لبنان، ناشر دار احیاء التراث العربی نوبت چاپ هفتم 1404 ه ق.